

البته این تمایزات را در زبان شخصیت هانزی می بینیم. کمی دربراره ویژگی های زبانی این اثر و چالش های ترجمه ای توضیح دهید. زبان و ادبیات والری برن در این رمان از یک طرف ساده و صمیمی و از طرفی دیگر شاعرانه است. در سرازهر فصل ما به جملاتی عمیق و شگرف هانزی را ازآزمین مواجه ایم و گاهی هویت مخاطب بر ما روشن نیست، چنین چیزی به جذایت و رمزوار از داستان می آفراید. خواننده گاهی نمی داند چه کسی مورد خطاب قرار گرفته است. من هم تلاش کردم زبان رمان را شاعرانه و شغرفه نویسنده و ابهامات موجود در جملات را در ترجمه ام حفظ کنم. اینقدر موفق عمل کردم که دهام، تصمیمش با خواننده است. ویولت مسئول عملیات روزانه و ارائه خدمات به بازدیدکنندگان گورستان است. باتوجه به گذشته پرخطر و شرایط زمینهی در زمان حال، خواننده می توان این کتاب را یک کتاب مفهیمی دانست و پیشنهاد می کنم به مسائل زنان از جنبه خود پرداخته است. بیش از آنکه مسائل زنان مطرح باشد، انسان مطرح است. مادر این رمان با وجوه مختلف زندگی و ویولت به عنوان یک زن، یک مادر، یک همسر روبه روی هستیم. او زنی قوی است که از پس کارهای مردانه نمی برمی آید و وظایف همسرش را نیز برعهده می گیرد و کار در گورستان شاید خارج از توان زن به نظر بیاید. بااین همه، او در اوج بی نیازی به مرد، به مرد زندگی خود نیازمند است. اوبا مشکلات زیادی روبه رویه و شکست و ناگامی های زیادی در زندگی خود تجربه می کند. ربه هانزی زیادی به واسطه زن بودن بروی و روانش وارد می شود، اما غالباً می داند از زندگی چه می خواهد و در بیشتر مواقع قدم هایش را آگاهانه برمی دارد.

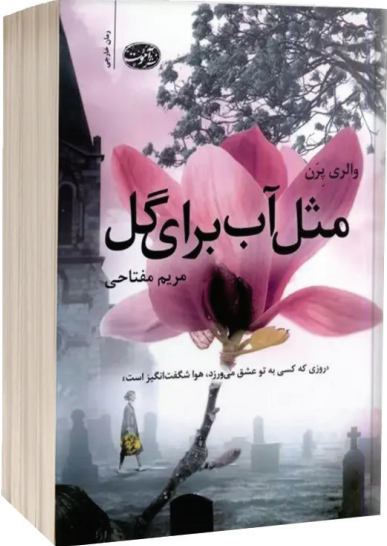
با این همه، به نگاه من، نویسنده در این رمان چندان فمینیست ظاهر نمی شود و بیشتر جنبه های انسانی در داستان مطرح است. به بخش هایی از رمان، شاهد جملات شاعرانه همراه با ابهام و طعنه هستیم. این اتفاق چه سهمی در شکل گیری فضای زبان اثر دارد؟ از نظر من جملات شاعرانه فضای داستان را می سازد و زیبایی و لطافت خاصی به آن می بخشد، مادر این رمان با زبان و ادبیاتی لطیف و پر معنا روبه روی هستیم و ویژگی های زیبایی شناختی در آن شاخص است. نویسنده با بیان افکار و احساسات در قالب جملاتی که ساختی خلافتان و ندارند. ادبیات خود ارائه می کند.

که رفته رفته بر او فاش می شوند، رمان بر زائر گوشتک نزدیک می کند و می توان گفت داستان متأثر از آن است.

در این رمان با جزئیات و تصاویر متعددی مواجه ایم؛ مثل نحوه لباس پوشیدن دیوله که بیانگر شخصیت اوست. با توجه به اینکه داستان در دهه های مختلف روایت می شود، این ویژگی چقدر در توصیف مقتضیات تاریخی موفق بوده است؟ ویولت رنی است که بر خود و اطراف خود توجه دارد.

وقتی محوطه گورستان را ترک کرد و وارد خانه اش می شود. لباس های رنگی می پوشد و این لباس های رنگی تبدیل می شوند به نماد زندگی و اینجاست که طرز لباس پوشیدن ویولت، افکار و شخصیتش را بیان می کند.

ویولت همیشه بر زمان و مکان آگاه است و تأثیر قوه ادراک و تمیز بر رفتارهای او کاملاً مشهود است. داستان فلش بک های زیادی دارد. زمان عقب و جلو می شود و نویسنده با این فلش بک ها بسطی را فراهم می کند تا خواننده رفته رفته پاسخ سوالات خود را بیابد و این میان تأثیر گران رمان بر نحوه زندگی و مولفه های آن مشهود است.



می‌شوند و در نوشتار تصویری دیگر را می‌توان متصور شد. در گفتار شما واژه شادی را بر زبان می‌آورید و از دیگران نیز این واژه نقل و قول شده است. اما در نوشتار واژه را به وسیله قلم می‌نویسید.

دیگر نکته اینکه هر واژه‌ای ابتدا در ذهن شما تصور می‌شود و بعد تصویری می‌شود و یا هر واژه‌ای ابتدا تصویر می‌شود و بعد تصور می‌شود که از این نگاه پشت‌بند این تصور و تصویر از واژه، اندیشه است؛ زیرا که شما با اندیشیدن می‌توانید از واژگان تصویرسازی کنید. برای مثال وقتی می‌گوییم «غم» در واقع ما برداشتی از این کلمه داریم و به اساس همان برداشت این واژه را بر زبان می‌آوریم. انسان ابتدا یک تصویر از واژگان می‌سازد و بعد واژگان را تصور می‌کند و زبان این گونه به وجود می‌آید. زبان گفتار واژه به شما شکل و شمایل می‌آورد و دهن در زبان نوشتار نقش ترسیم‌ها و در شکلی دیگری اراده و اداره می‌شود. در زبان گفتار، شما از شادی یا غم همان چیزی را برداشت می‌کنید که در ذات و جوهر واژه در جامعه وجود دارد و بر اساس تخراب، اجتماع از شادی و غم حرف می‌زنید اما در زبان نوشتار، شادی در حالتی که دیگر درمی‌آید و قلم سعی می‌کند، تصویری دیگر را با تصاویر متفاوت‌تر از این دو واژه به دایره ترسیم بیاورد.

نوشتن واژگان، خود نوعی نقاشی است و نقاشی کلمات توسط اندیشه و زبان شاعر با استفاده از کاغذ شکل می‌گیرد. زبان گفتاری واژگان به ذهنیت نزدیک تر است اما زبان نوشتاری واژگان هم ذهنی است و هم عینیته را تا به خوبی ترسیم می‌کند. واژگان در شعر و جامعه به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست واژگانی که قدرت تعمیم‌پذیری دارند و فرازمان هستند و دوم واژگانی که فرزند زمان خود هستند. بسیاری از واژگان در زمینه تاریخ بوده‌اند اما به مرور زمان چون تعمیم‌پذیر و فرازمان نبودند به فراموشی سپرده شده‌اند. بافت زمان در واقع ساخت واژگان را مشخص می‌کند و هر زمانی بافتار و شاخ و برگ دیگر فرق می‌کند. سیر اندیشگی‌های یک تفکر در قالب زمان و بافت

و خواننده نمی‌داند مخاطب آن کیست و این نکته بر دل‌دست خواننده می‌افزاید.

نویسنده حیات را فانی‌زیر می‌داند و عالم هستی را یک گداز می‌نامد، همه باقی می‌ماند و نامیراست، خطرات است، اما به ما بهمه این وجود آنچه شده بالا را دراز زندگی است، هر یک بخش قابل توجهی از داستان به فلاش‌بک‌ها اختصاص یافته و هرچه جلوتر می‌رویم، گره‌هایی یکی بازمی‌شوند.

نظراتان درباره این تکنیک و تاثیرگذاری‌اش بر مخاطب چیست؟ در طول داستان ما با چراها و معماهایی روبرو هستیم و نویسنده به طریقی هوشمندانه خواننده را در دنبال خود می‌کشد و هر جا لازم بداند، گره‌ای را باز می‌کند. تعلیق داستان به باورپذیری آن کمک می‌کند. ویولت توسن شخصیت اصلی رمان زندگی را هم‌مزه می‌کند، در نتیجه خواننده همه داستان را در ذره می‌چشد. او نگهدارن گورستان است، در گورستان سکونت دارد و این را انتخاب او است. اما او از طریق آفتاب و رنگ و باغچه گل پیوند عمیقی با زندگی دارد. مجاورت با مرده‌ها او را به زندگی نزدیک‌تر می‌کند. او در گورستان موسیقی گوش می‌دهد و کتاب می‌خواند. ویولت توسن معتقد است گذر زمان زندگی را نابود می‌کند و او را زمان‌میرک است. روایت اصلی داستان در گورستانی فرانسوی مطرح می‌شود. توصیف فضاهای شبه‌گوتیک به نقشه‌ی دو روایت دارد و نسبتش با اتفاقات در چیست؟ ما دانیلم یکی از مؤلفه‌های ادبیات گوتیک مکان‌های ترسناک است، در داستان ما شخصیت اصلی ساکن گورستان است و با چراها و آنچا به عنوان «گورستان من» یاد می‌کند، هرچند زندگی در گورستان او به نحوی جریان دارد که فضای ترسناک گورستان هرازگاهی مکانی دل‌انگیز احساس می‌شود. اما در بخش‌هایی از رمان، فضا و هم‌آلود و روبرو می‌شود و خواننده وحشت می‌کند. گورستان به خودی خود جای ترسناک و پر رمز و رازی است و همیشه خانه ارواح قلمداد می‌شود. شب و تاریکی به فضای ترسناک آن شدت می‌بخشد. خود ویولت هم آنچا را متعلق به خود می‌داند، شب که می‌شود پرده‌ها را می‌کشد و زندگی خود را از زندگی مردگان جدا کند، اقفا هم می‌کند. باید گفت فضای او هم‌آلود و لحظات دلهره‌آور حضور در گورستان جنبه رازآلودی داستان و اینکه خواننده با رازهایی روبرو است

سال پنجم
شماره ۱۷۴۸

چهارشنبه
۱۴۰۲ • ۱۰ • ۲۷
۲۰۲۴ / ۱۷ رجب ۱۴۴۵ / ۲۰ ژانویه

در گفت‌وگو با مریم مفتاحی مطرح شد؛

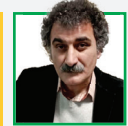
بیرون کشیدن زندگی از دل مرگ

در «مثل آب برای گل»

آرمان علی - هادی حسینی نژاد: فرهنگ مکتوب به عنوان فرهنگی ترین حوزه در جوامع شناخته می شود و صنعت نشر همچنان شاخصه مهمی در تبیین جایگاه فرهنگی یک کشور به شمار می آید. این در حالی است که در سال های اخیر نداشتن و دست اندرکاران کتاب با مشکلات عدیدانی مواجه بوده اند؛ از تغییر سیاست ها و خط مشی های مدیریتی گرفته تا گرانی کاغذ و سایر اقلام مصرفی تولید که قیمت متوسط هر نسخه کتاب را در ماه های اخیر به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسانده است. در راه گفتگوهایی که با یکی از چهره های شاخه شد صنعت نشر: بهیچ وجه محمد علی جعفری، مدیر مسئول و صاحب امتیاز انتشارات ثالث دانشیم، به بررسی عوامل تاثیرگذار بر شرایط این بازار فرهنگی پرداخته ایم؛ مسائلی همچون عملکرد دولت، حامق نشدن شعارها و تاثیراتی که بازار کتاب از فعالیت رسمی ناشران کتابساز متحمل می شود. این گفت و گو را ادامه بیاوید.

آرمان ملی، بیتا ناصر: مریم مفتاحی (۱۳۴۳) در سال های اخیر نزد دوستداران ادبیات جهان به عنوان یک مترجم پرکار شناخته می شود که شاید بیشترین شهرت او به ترجمه آثار پرمخاطب و پرفروش جوجو مریز، نویسنده انگلستانی برگردد که مخاطبان فارسی اش را نشان را با آثارهای مفتاحی با عناوینی همچون مجموعه رمان های سه جلدی «من پیش از تو»، «پس از تو» و «باز هم من» شناختند. او آثار دیگری را نیز از این نویسنده مشهور به فارسی ترجمه و منتشر کرده است؛ و البته نويسندگان زن دیگری مانند دانا تاتار، مارتا دیکسون، مکی میسون، کتی کیمبر ... گفته می شود مفتاحی به ترجمه آثاری که به درونیات و لایه های پنهانی روح و روان انسان ها می پردازد، علاقه دارد و بر پیداست که از این منظر به نیای زنان این توجوه و ویژه های داشته است – تاجایی که یکی از جدیدترین ترجمه های او با عنوان «دل آبی کل» نوشته والری پرن، هم از این قاعده مستثنای نیست. به مناسبت انتشار این رمان، گپ و گفت کوتاهی با این مترجم داشتیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید. آخرین اثر ترجمه ای شما با عنوان «مثل آب برای گل» نوشته والری پرن به تازگی از سوی نشر آوت به چاپ رسیده است. لطفاً کمی درباره درونمایه و فصل های مختلف آن توضیح دهید. رمان مثل آب برای گل اثر والری پرن به دلیل نحوه پرداختن به عمق مقوله مرگ و زندگی و بیان نسبت و رابطه این دو توانسته است توجه ها را به خود جلب کند و مورد انتخاب مترجم های زبان های مختلف قرار گیرد و دنیا خوانده شود. چرا که از دست دادن او جای خالی انبساط دهنده و امیدوار کننده است. نویسنده گان بوده است و نویسندگان بزرگ با پرداختن به آن توانسته اند آثار ماندگار و عمیقی را خلق کنند. والری پرن نیز در این رمان مرگ را که واقعیتی اسرارآمیز، غیرقابل اجتناب و غیرقابل گریز است دست ما می خود قرار داده و زندگی را از دل مرگ بیرون می کشد. رمان مثل آب برای گل زندگی زنی است که در کودکی رها شده و همواره برای یافتن خود به زندگی جنگ زده است. والری پرن زندگی را به مرگ پیوند می زند و خاطرات و گذشته ها را جودان می انگارد. این رمان به قول یکی از دوستداران روش آش با شکوهی دارد و خواننده را شگفت می کند. رمان در فصل های مختلفی بیان می شود و هر فصل یک جملاتی سرگرفته و عمیق و قابل تامل و فکروانه آغاز می شود

صور و تصویر
در شعر و جامعه



عابدین پاپی
شاعر و منتقد

تصور صورتی ذهنی و عینی از یک چیز یا کسی است و این صورت ذهنی یا عینی بستگی به فکر، گمان، تمخبله، انگاشتن و اندیشیدن افراد دارد. به معنی بنیادار، خیال، وهم و برداشت هم است. متضاد تصدیق کردن است. در خیال مجسم کردن و گمان کردن نیز از دیگر معانی تصور است. تصویر اما به معنی شکل یا شمایل یا صورت است. عکس، نقش، نگار، ترسیم، تندیس و تمثال و پرتوره از دیگر معانی تصویر به شمار می‌رود. تصویری می‌تواند در دو حالت خود را نشان دهد؛ یا با واقعیت ذهنی و خیالی خود را به دایره نمایش می‌آورد. صورت عکس یک چیز یا کسی، را شما یا چشمان خودتان مشاهده می‌کنید. برای مثال: تجربه گرایان تایید چیز را لمس نکنند در واقع آن چیز قابل فهم و درخور کرد، و حتی پذیرش برای آن‌ها نیست. مثلا دیدن آتش و احساس کردن آن برای آن‌ها قابل دیدن نیست؛ مگر اینکه آتش را لمس و به خوبی تجربه کنند. در این روشنتر، تصویری از تصویر (آواگان) به این معناست که شما برداشت و تصویری فکری از شکل و شمایل و نقش و نگار و آواگان در ذهن دارید که ریشه در زمست تجربی و تجربه زیستی شما نیز دارد. شعرا تابع کلماتی اند که این کلمات در زندگی آن‌ها نقش بسزایی داشته‌اند. وقتی یک شاعر دائما از مرگ و یا فصل زمستان در شعرش صحبت می‌کند و یا از آرزای و زندان و قفس سخن به میان می‌آورد، این نوع آواگان را آواگان در زندگی خود تجربه کرده و به مانند

یادداشت

جاودانگی‌والت‌ویتمن‌درسیرطبیعت
نگاهی‌به‌مجموعه‌اشعاربرگه‌های‌علف



فاطمه احمدی آذر
منتقد و مدرس

مجموعه اشعار برگه‌های علف (۱۸۵۵) و ایتمن (۱۸۱۹-۱۸۲۷). نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار، بریکایی نوشته شده است. فرزان نصر (زاده ۱۳۶۴)، مترجم ایرانی این مجموعه را به زبان فارسی ترجمه کرد. انتشارات هرمس در زمستان ۱۴۰۴ این کتاب را به خطب فارسی‌زبان ارائه داد. پیش‌تر نیز مترجم‌های دیگری، گزیده‌هایی از شعرهای ایتمن را ترجمه کرده بودند. اما، نصر برای نخستین بار، کل مجموعه اشعار این شاعر آمریکایی را به فارسی برگرداند که‌های علف، نقطه عطف نویسندگی ایتمن را رقم زد. به علاوه، این کتاب یکی از مهم‌ترین کتاب‌های ریخ ادبیات ایالات متحده آمریکااست، یکی از تن‌هایی که به سختی می‌توان تعریف و تفسیری آن ارائه داد. ایتمن، شاهکار خود را موجودی در حال رشد و پویا دید که برآیندهای گوناگون، جاری داشت. امروزه، مابه همگونی نسبی میان نسخه‌های منحصربه‌فرد این نسخه ادبی عادت داریم. صنعت چاپ مدرن این امکان را فراهم کرد تا محتوای تمام نسخه‌های یک اثر ادبی، یکسان شود، اما در زمان ایتمن، نسخه‌های متفاوتی کتاب او منتشر شدند. پژوهش‌های دانشگاهی این تعداد نسخه‌های ویرایش شده توسط ویتمن در زمان حیاتش اختلاف نظر دارند. اسناد معتبر وجود نشان می‌دهند که شش نسخه‌برگه‌های الف در زمان حیات شاعر در سال‌های ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۶۷، ۱۸۷۱-۷۲ و ۱۸۸۱-۸۲ وجود دارند؛ در نسخه اول، تأکید ویتمن روی عشق به آزادیست؛ طبیعت طبیعی جنبه از آزادی را به نمایش می‌گذارد. در نسخه دوم، تصویر شاعری موثر و نوآورانه ترسیم می‌شود. ایده‌های ویتمن و اثرات ملک در بررسی می‌کند. ایده‌های ویتمن و اثرات ملک در گذشتن دچار تحول بنیادینی شدند. مفهوم مرگ، درون مایه غالب آن دوره زمانی است. سمت جاودانگی تمایل پیدا کرد. او در سال‌های پایانی عمرش بیشتر محافظه‌کار شده بود و به این نتیجه رسیده بود که قانون بهترین وسیله راهی سید به آزادی است. مدگوا هاین گرایانه او از جنبه‌های بیشتر جنبه‌ای است. بسیاری از پژوهشگرهای معر آزاد در آمریکااست. بسیاری از پژوهشگرهای رای، او را همانند نیما یوشیج می‌بینند که نگاه‌های، به شعر کشور خود دارد. هر دوشاعر، سنت‌های پیشین شعر مشهور وزن، قافیه و زبان فاخر را کنار گذاشتند. ویتمن، با زبانی ساده به بیان مضامین زه و غدغه‌های بی‌زمان انسان‌ها پرداخت. شعر، ادبیات در سده نوزدهم بیشتر به طبقه مردم تحصیل کرده تقلید داشت. ویتمن، نخستین شاعر آمریکایی بود که سنت‌های پیشین را شکست و بیات آمریکا را متعلق به همه اقشار جامعه خودش انست. او از زبانی ساده و ایمانه برای سرودن شعرایش استفاده کرد. شعرهای پیش از ایتمن امروسن، فولانگ فلو، از سنت‌های پیشین اشتاری تقلید می‌کردند. آنها سعی داشتند تصویری بیا و آمان گرایانه از زندگی به مخاطب خود بدهند. سو دی گر، ویتمن عمیق‌داشت که باید درباره فرد غه‌های خاص حاضر صحبت کرد. زبان ساده و لیبعت به این شاعر آمریکایی کمک کردند تا بدر نظر فن تاریخ، فرهنگ و جامعه، درباره نحوه رسیدن دموکراسی صحبت کند. مجموعه برگه‌های علف سرمایه‌گذاری خود ویتمن منتشر شد. عقاید و سخنرانی‌های امروسن تاثیر زیادی روی ویتمن داشتند. در حالی که، نخستین چاپ برگه‌های علف نامعاری پیش از او درگیر این‌های نزادپرستانه و بلقایت بودند؛ اما ویتمن نخستین شاعر آمریکایی بود که بیان کرد با انسانیت، برابری و صلح می‌توان به موکراسی رسید. این موضوع در حالی است که در آن مان، موضوع غالب اشعار دار عشق، مرگ و زیبایی بود. البته، انتشار برگه‌های علف با واکنش منفی همراه شد. منتقدان ادبی آن دوران نیز مواجه شدند. بسیاری از مردم، تحت‌تاثیر نقدهای منفی و کوبنده شعار ویتمن را غیر اخلاقی تلقی کردند. بی‌همی و بی‌وجهی آن تا جایی پیش رفت که اشعار او یا محو یا تبارت نمی‌رفتند یا با سانسور منتشر می‌شدند. شباهت‌های ویتمن در فرهنگ‌های دیگر بوجود آمد. ویتمن در مورد تغییر بود. این مشخصه باعث می‌شود اشعار این نویسنده هنوز برای مخاطب جذاب گیرا باشند. او در شعر «آرنای برای خویشتن» می‌گوید «من» استفاده می‌کند. این روی، نخستین بار شروع می‌کند، محدود و گسترش ده‌تجاهانش، همه‌انسان‌ها را دربرگیرد. سپس، دوباره به خود بازمی‌گردد. ویتمن متوجه نیاز جامعه روکا برای تغییر است. او، این تغییر را نقل می‌دهد. ویتمن شروع می‌کند. رازی‌اش اشعار او، تغزل و تنها نیستند. آنها در تلاشی دائمی برای ارتباط برقرار کردن دنیا و تغییر آن هستند. این شخصیت‌ها / رازی‌ها / واقع خود شاعر هستند که می‌گویند با خواننده / واقع خود ارتباط برقرار کند. این ارتباط، نوعی داودانگی نیز برای شاعر ارمانی می‌آورد.

